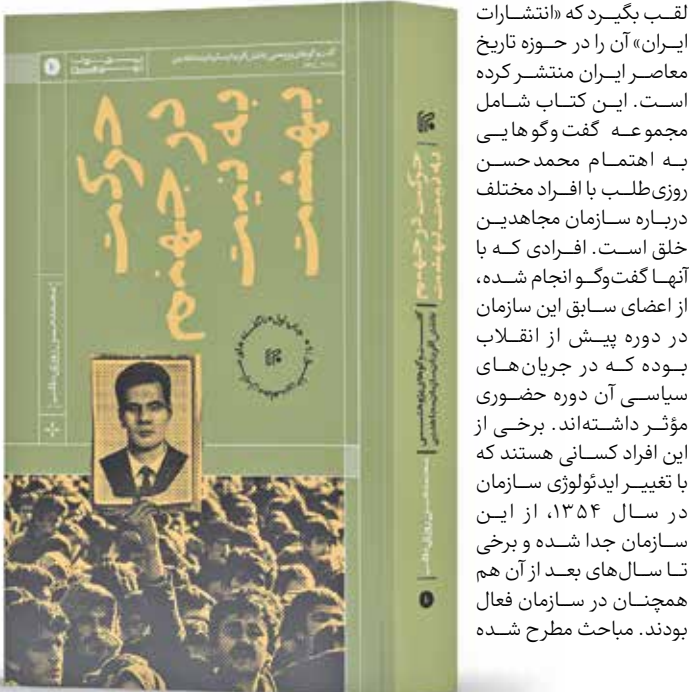




کتابی برای آشنایی با تاریخچه و ماهیت سازمان مجاهدین خلق حرکت در جهنم

کتابی از سازمان مجاهدین خلق، نوشته‌های یکی از نویسندگان برجسته ایران، با عنوان «حرکت در جهنم به نیت بهشت» که به زبان فارسی به صورت «مهم دارد یا بهزاد نبوی، عبدالله محسن، مصطفی ملایری، مسعود حقیق، مهدی مهری، بهبهانی و عبدالله زین‌کفش و در زین کفش و در بخشی دیگر به طور مفصل به تاریخچه سازمان از اوایل دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۴، با تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۱۳۵۴، از این سازمان جدا شده و برخی تا سال‌های بعد از آن هم همچنان در سازمان فعال بودند. مباحث مطرح شده



عبدالله زین کفش در گفت‌وگویی به ماهیت فکری سازمان مجاهدین اشاره می‌کند و می‌گوید: «ماهیتی که سازمان برای مبارزه قائل بود، ماهیت ضد امپریالیستی بود. اگر سازمان با این بود که در جریان رشد و با اصلاح تکامل خود، بابتگن‌گر ترز تفکر و عقیده خاصی بود که در برابر اسلام می‌شد که حقیقتاً با آن اسلام و شریعت که از سوی فقهای برجسته اسلامی معرفی شده است تفاوت اصلی دارد. همچنین سازمان عقیده داشت در دوران اخیر و به خصوص با کوشش استعمارگران و نوکران داخلی آنها آنچه به عنوان اسلام تلقی می‌شود، از هرگونه جنبه اصولی و انقلابی آن خالی و عملاً به جای یک نیروی مولد و محرک، عامل بی‌تحرکی و تن‌دادن به قضا و قدر شده و متأسفانه وضعیت حوزه‌های علمی نجف، قم و مشهد و... در این اواخر و تا قبل از حرکت آیت‌الله خمینی و روحانیت مبارز، به گونه‌ای درآمده است که دیگر نمی‌توان به آن امید داشت...» کتاب «حرکت در جهنم به نیت بهشت» ۵۱۰ صفحه به تازگی از سوی انتشارات ایران منتشر شده و در حال حاضر در دسترس علاقه‌مندان به آثار پژوهشی در حوزه تاریخ انقلاب و جریان‌های سیاسی مؤثر الصاق شده است. در بخش تاریخچه

آنها هنوز در «جزیره سرگردانی» اند

در راستای تبارشناسی مشی تروریستی مجاهدین خلق به نسبت این سازمان با مشی فداپایان اسماعیلی حسن صباح پرداختیم. در بخش «حکایت» سالنامه سال ۹۸ روزنامه «سازندگی» هم شرح دیدار احمدرضا کرمی و محمد عطریان‌فر پس از ۳۰ سال و خاطرات آنها از سال‌های رفته روایت شد. گفتنی است که بخشی از گفت‌وگو و مقالات این پرونده‌ها در این مجموعه با عنوان «جزیره سرگردانی» در کنار هم قرار گرفته تا تصویر بهتر و کامل‌تری از کلیت این گروه ترسیم شود. عنوان «جزیره سرگردانی» برگرفته از رمان زنده‌یاد سیمین دانشور است که به مسأله هویت و سردرگمی‌های مربوط به آن می‌پردازد و در قالب استعاره و داستان، تاریخ معاصر ایران را از نظر می‌گذراند. در این رمان، «هستی» دختری است که با مادر بزرگ مذهبی خود و برادرش «شاهین» زندگی می‌کند. او پدرش را در آتشوب‌های سیاسی از دست داده و مادرش، زنی متجدد و امروزی است. «جزیره سرگردانی» در کنار هم قرار گرفته تا تصویر بهتر و کامل‌تری از کلیت این گروه ترسیم شود. عنوان «جزیره سرگردانی» برگرفته از رمان زنده‌یاد سیمین دانشور است که به مسأله هویت و سردرگمی‌های مربوط به آن می‌پردازد و در قالب استعاره و داستان، تاریخ معاصر ایران را از نظر می‌گذراند. در این رمان، «هستی» دختری است که با مادر بزرگ مذهبی خود و برادرش «شاهین» زندگی می‌کند. او پدرش را در آتشوب‌های سیاسی از دست داده و مادرش، زنی متجدد و امروزی است. «جزیره سرگردانی» در کنار هم قرار گرفته تا تصویر بهتر و کامل‌تری از کلیت این گروه ترسیم شود. عنوان «جزیره سرگردانی» برگرفته از رمان زنده‌یاد سیمین دانشور است که به مسأله هویت و سردرگمی‌های مربوط به آن می‌پردازد و در قالب استعاره و داستان، تاریخ معاصر ایران را از نظر می‌گذراند. در این رمان، «هستی» دختری است که با مادر بزرگ مذهبی خود و برادرش «شاهین» زندگی می‌کند. او پدرش را در آتشوب‌های سیاسی از دست داده و مادرش، زنی متجدد و امروزی است. «جزیره سرگردانی» در کنار هم قرار گرفته تا تصویر بهتر و کامل‌تری از کلیت این گروه ترسیم شود. عنوان «جزیره سرگردانی» برگرفته از رمان زنده‌یاد سیمین دانشور است که به مسأله هویت و سردرگمی‌های مربوط به آن می‌پردازد و در قالب استعاره و داستان، تاریخ معاصر ایران را از نظر می‌گذراند. در این رمان، «هستی» دختری است که با مادر بزرگ مذهبی خود و برادرش «شاهین» زندگی می‌کند. او پدرش را در آتشوب‌های سیاسی از دست داده و مادرش، زنی متجدد و امروزی است.



در حال حاضر در دسترس علاقه‌مندان به آثار پژوهشی در حوزه تاریخ انقلاب و جریان‌های سیاسی مؤثر الصاق شده است. در بخش تاریخچه سازمان مجاهدین خلق، نوشته‌های یکی از نویسندگان برجسته ایران، با عنوان «حرکت در جهنم به نیت بهشت» که به زبان فارسی به صورت «مهم دارد یا بهزاد نبوی، عبدالله محسن، مصطفی ملایری، مسعود حقیق، مهدی مهری، بهبهانی و عبدالله زین‌کفش و در زین کفش و در بخشی دیگر به طور مفصل به تاریخچه سازمان از اوایل دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۴، با تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۱۳۵۴، از این سازمان جدا شده و برخی تا سال‌های بعد از آن هم همچنان در سازمان فعال بودند. مباحث مطرح شده در کل کتاب، رعایت نکرده است. ابراهامی در متن به چشم می‌آید. برای مثال زمانی که عصمت خانم، تازه عروس است و از روستا به اهواز نقل مکان می‌کند، قطعاً احساساتی برای او رقم خورده کتاب نحوه رفتن از روستا به اهواز و بزدن جهاز در خانه‌های احمیدیان آنقدر از او آزاد گذاشته و به حال خود رها کرده و حتی هنگام کارآفرینی نیز هیچ کمکی به خانم احمیدیان نمی‌کند. هیچ علاقه مستترکی میان آنها در کتاب مشاهده نمی‌شود. کتاب اصطلاحات زیادی دارد. طبق توضیح تدوینگر، بیشتر اصطلاحات متعلق به روستا است. دست نبردن در آنها نکته مهمی است که نویسنده رعایت کرده و در پایان به اصطلاحات روستایی اشاره کرده است؛ ولی اصطلاحات و حتی مکان‌ها نیز با باورهای بیشتری دارد. کسی که اهواز را نمی‌شناسد، مسلماً مکان‌هایش را نیز نمی‌شناسد. هرچند در کتاب به شناخت خوبی از عصمت احمیدیان می‌رسیم و با شخصیت‌پردازی خوبی که از او شده، ویژگی‌هایش نمایان می‌شود اما شخصیت‌پردازی دیگر شخصیت‌ها به نظر ضعیف می‌آید. شوهر و فرزندان خانم احمیدیان نمود کم‌رنگی در کتاب دارند. در طول روایت، گاهی با عمد یا سهواً زاویه دید و زمان فعل‌ها عوض می‌شود و به نظر می‌رسد از کارآفرینی خانم احمیدیان بعد از جنگ، به سرعت عبور شده است. ضمن آنکه عصمت احمیدیان به عنوان یک زن تنها، با بازار سرورگار دارد و طبیعتاً به خاطر زین بودنش، با مشکلات بیشتری برای کارآفرینی دست‌وپنجه نرم کرده، اما این مشکلات را کمتر در کتاب می‌بینیم. در واقع مشکلات نشان داده نشده بلکه به جمله «نه اینکه من مشکل نداشتم، داشتم ولی اهل غرزدن نبودم» اکتفا شده و همین موضوع شخصیت عصمت احمیدیان را تا حدی افسانه‌ای می‌کند. انتظار می‌رفت وقتی راوی می‌گوید: «برای روستاییان کارآفرینی کردم تا به شهر مهاجرت نکنند» را می‌خوانیم، این را هم با کوشش دادن در کدام سخنرانی به این نتیجه رسید؟ و برای کارآفرینی‌اش کدام مسیرهای سخت‌ اداری را طی کرد؟ و سؤالاتی از این دست که جاییش در کتاب خالی است.

نگاهی به کتاب مادر «ایران» روایت استقلال یک مادر شهید



فازده سراجان فعال فرهنگی

با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه به زنان هنوز مسأله‌ای مورد توجه در جامعه است. برخی می‌گویند جامعه مردسالار ایرانی مانع پیشرفت زنان شده ولی دولتمردان نظر دیگری دارند و حضور وزرای زن در کابینه دولت، نمایندگان زن در مجلس و حضور «عصمت احمیدیان» شاید مصداق حرف دولتمردان نباشد، اما زنی است که توانسته بدون دریافت وام و کمک همسرش کارآفرینی و اشتغالزایی کند. مادری که دو فرزندش شهید شد، ولی بدون آنکه عزت‌نشینی در انتخاب کند، وارد میدان کار شده است. اگرچه روحیه کار و تلاش از بچگی درونش جرقه زده، اما همراهی همسرش در ابتدای کار، این ذوق را کور نکرد و هنگامی که خانم احمیدیان از همسرش درخواست مرغ و خروس برای پرورش می‌کند، او خواسته‌اش را اجابت می‌کند اما در ادامه راه، فقط خودش بود و خدای خودش.

شخصیت عصمت احمیدیان را می‌توانید در کتاب «مادر ایران» ببینید و بخوانید. با شروع فصل اول کتاب و فضا سازی خوب «باغ بهادران»، محل تولد و زندگی خانم احمیدیان کتاب، خوب پیش می‌رود، ولی تعلیقی وجود ندارد تا مخاطب بخواهد داستان را ادامه دهد؛ چراکه داستان‌های کوتاهی از زندگی عصمت احمیدیان در فصل اول و مربوط به زندگی‌اش در باغ بهادران آورده شده که ربطی به هم ندارند و مطلب را شهید می‌کند و موثر خواننده را خاموش. به نظر می‌رسد با پیش رفتن کتاب، نویسنده میان حجم انبوهی از پراکنده‌گویی‌های راوی، دست‌وپایش را گم کرده و نتوانسته نظم خوبی به متن دهد. متن سرشار از دیالوگ است؛ دیالوگ‌هایی که اگر به متن تبدیل می‌شود، خوانش متن را روان‌تر می‌کند. ضمن آنکه برخی دیالوگ‌ها به لهجه جنوبی و برخی با متن معیار نوشته شده و قانون ثابتی را برای دیالوگ‌نویسی در کل کتاب، رعایت نکرده است.

هرچند تحقیق کتاب به نظر کامل می‌رسد اما ابراهامی در متن به چشم می‌آید. برای مثال زمانی که عصمت خانم، تازه عروس است و از روستا به اهواز نقل مکان می‌کند، قطعاً احساساتی برای او رقم خورده کتاب نحوه رفتن از روستا به اهواز و بزدن جهاز در خانه‌های احمیدیان آنقدر از او آزاد گذاشته و به حال خود رها کرده و حتی هنگام کارآفرینی نیز هیچ کمکی به خانم احمیدیان نمی‌کند. هیچ علاقه مستترکی میان آنها در کتاب مشاهده نمی‌شود. کتاب اصطلاحات زیادی دارد. طبق توضیح تدوینگر، بیشتر اصطلاحات متعلق به روستا است. دست نبردن در آنها نکته مهمی است که نویسنده رعایت کرده و در پایان به اصطلاحات روستایی اشاره کرده است؛ ولی اصطلاحات و حتی مکان‌ها نیز با باورهای بیشتری دارد. کسی که اهواز را نمی‌شناسد، مسلماً مکان‌هایش را نیز نمی‌شناسد.

هرچند در کتاب به شناخت خوبی از عصمت احمیدیان می‌رسیم و با شخصیت‌پردازی خوبی که از او شده، ویژگی‌هایش نمایان می‌شود اما شخصیت‌پردازی دیگر شخصیت‌ها به نظر ضعیف می‌آید. شوهر و فرزندان خانم احمیدیان نمود کم‌رنگی در کتاب دارند. در طول روایت، گاهی با عمد یا سهواً زاویه دید و زمان فعل‌ها عوض می‌شود و به نظر می‌رسد از کارآفرینی خانم احمیدیان بعد از جنگ، به سرعت عبور شده است. ضمن آنکه عصمت احمیدیان به عنوان یک زن تنها، با بازار سرورگار دارد و طبیعتاً به خاطر زین بودنش، با مشکلات بیشتری برای کارآفرینی دست‌وپنجه نرم کرده، اما این مشکلات را کمتر در کتاب می‌بینیم. در واقع مشکلات نشان داده نشده بلکه به جمله «نه اینکه من مشکل نداشتم، داشتم ولی اهل غرزدن نبودم» اکتفا شده و همین موضوع شخصیت عصمت احمیدیان را تا حدی افسانه‌ای می‌کند. انتظار می‌رفت وقتی راوی می‌گوید: «برای روستاییان کارآفرینی کردم تا به شهر مهاجرت نکنند» را می‌خوانیم، این را هم با کوشش دادن در کدام سخنرانی به این نتیجه رسید؟ و برای کارآفرینی‌اش کدام مسیرهای سخت‌ اداری را طی کرد؟ و سؤالاتی از این دست که جاییش در کتاب خالی است.

به هرحال باید به این هم توجه داشت که این اثر، اولین کار نویسنده است و او با تواضع در بخش ضمائم به این موضوع اشاره کرده و جالب‌تر آنکه از محقق و حتی پیاده‌سازی نیز تشکر کرده است که موجب دلگرمی به آن بزرگواران است. گاهی ممکن است نویسندگان از محققان تشکر کنند، اما کمتر پیش می‌آید نامی از پیاده‌ساز برده شود.

پیاده‌ساز، کار مهمی را برعهده دارد ولی همیشه گمنام واقع می‌شود. همچنین نویسنده اصطلاحات راوی را تیتروار پشت سرهم آورده و عنوان کرده که آن اصطلاحات متعلق به راوی است، درحالی که می‌توانست چنین چیزی را بنویسد تا خواننده گمان کند اصطلاحات متعلق به نویسنده است. کتاب «مادر ایران» به قلم نورالهدی ماهری توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.



کتاب در پیشانی خود ۶ گفت‌وگوی مهم دارد با بهزاد نبوی، عبدالله محسن، مصطفی ملایری، مسعود حقیق، مهدی مهری، بهبهانی و عبدالله زین‌کفش و در زین کفش و در بخشی دیگر به طور مفصل به تاریخچه سازمان از اوایل دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۴، با تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۱۳۵۴، از این سازمان جدا شده و برخی تا سال‌های بعد از آن هم همچنان در سازمان فعال بودند. مباحث مطرح شده در کل کتاب، رعایت نکرده است.

کتابی از سازمان مجاهدین خلق، نوشته‌های یکی از نویسندگان برجسته ایران، با عنوان «حرکت در جهنم به نیت بهشت» که به زبان فارسی به صورت «مهم دارد یا بهزاد نبوی، عبدالله محسن، مصطفی ملایری، مسعود حقیق، مهدی مهری، بهبهانی و عبدالله زین‌کفش و در زین کفش و در بخشی دیگر به طور مفصل به تاریخچه سازمان از اوایل دهه ۴۰ تا سال ۱۳۵۴، با تغییر ایدئولوژی سازمان در سال ۱۳۵۴، از این سازمان جدا شده و برخی تا سال‌های بعد از آن هم همچنان در سازمان فعال بودند. مباحث مطرح شده

قاب

هیجان خواندن



عکس‌ها: حسین نقی زاده / ایران